



پمپئو از اعضای ارشد دولت ترامپ هم علیه ترامپ موضع گیری کرد

من مانده‌ام تنهای تنها!



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

دموکرات‌ها و اشتباهات مرگبار ترامپ، ائتلافی را شکل داده‌اند تا رئیس‌جمهور سابق آمریکا را در حسرت همیشگی برای بازگشت دوباره به کاخ سفید بگذرانند. ترامپ باید درک می‌کرد که رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴، تکرار ۲۰۱۶ نخواهد بود و دموکرات‌ها از هر ابزاری استفاده خواهند کرد که از یک سوراخ دیوار گزیده نشوند. یک سال و نیم مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری، ترامپ با اشتباهات مرگبارش پاس گل بی‌ظنری را به دموکرات‌ها تقدیم کرد. شاید جمهوری خواهان بتوانند از محکومیت ترامپ به دلیل پرداخت حق‌السکوت به ستاره فیلم‌های غیراخلاقی که مربوط به سال‌های گذشته است، چشم‌پوشی کنند اما او حالا با ۳۷ فقره اتهام حفظ غیرقانونی اسناد محرمانه و ایجاد اختلال در تلاش‌های دولت برای بازپس گرفتن این مدارک متهم شده است. هم جمهوری خواهان و هم هواداران دوآتشه ترامپ می‌دانند که اتهامات علیه رئیس‌جمهور سابق، شوخی بردار نیست. کیفرخواست فاش شده، یک پرونده جنایی علیه ترامپ تشکیل می‌دهد که در صورت محکومیت، رئیس‌جمهور سابق می‌تواند به مدت قابل توجهی زندانی شود. این امر کمترین ریاست‌جمهوری او را برای انتخابات ۲۰۲۴ پیچیده‌تر می‌کند. بر فرض محال حتی اگر ترامپ از این اتهامات نیز جان سالم به در ببرد، برای بسیاری از آمریکایی‌ها اقدام او غیرقابل قبول است. شاید تعجب‌آور نباشد که چندین نظرسنجی عمومی نشان می‌دهد که اکثر رای دهندگان خارج از پایگاه جمهوری خواهان نگران هستند که ترامپ امنیت ملی را به خطر بیندازد. در نظرسنجی NPR/PBS NewsHour/Marist که در بهار امسال انجام گرفته، تقریباً سه چهارم افراد مستقل، رنگین‌پوستان و رأی دهندگان زیر ۴۵ سال و همچنین چهارپنجم سفیدپوستان تحصیل کرده دانشگاهی گفتند اگر او به هر جرمی محکوم شود، نمی‌خواهند ترامپ دوباره رئیس‌جمهور شود. این نظرسنجی پس از کیفرخواست ترامپ در ماجرای پرداخت حق‌السکوت و پیش از اتهامات اخیر انجام شده است. در نظرسنجی CBS News/YouGov که تا حدی پس از کیفرخواست هفته گذشته انجام شد، اکثریت قاطع ۵۷ درصد از آمریکایی‌ها - از جمله حدود سه پنجم سفیدپوستان تحصیل کرده دانشگاهی و رای دهندگان زیر ۳۰ سال و تقریباً همین تعداد از افراد مستقل - گفتند که او نباید رئیس‌جمهور شود، چرا که به‌طور خاص در پرونده اسناد طبقه‌بندی شده محکوم شده است. این از دو سوم آمریکایی‌ها نیز به‌طور کلی گفتند که عملکرد ترامپ در ماجرای اسناد طبقه‌بندی شده خطری برای امنیت ملی ایجاد کرده است.

مشخص نیست حزب جمهوری خواه در برابر این اتهامات و تبعات پس از محکومیت ترامپ برنامه‌ای اندیشیده یا خیر. اما واضح است که کاندیداهای احتمالی ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴، تصمیم‌شان را گرفته‌اند. آنها که احتمال محکومیت ترامپ را بالا می‌دانند، یک به یک علیه ترامپ دست به انتحار زده‌اند. مایک پمپئو وزیر امور خارجه دولت ترامپ، آخرین فردی است که علیه رئیس‌جمهور خود اظهار نظر کرده است. به نوشته روزنامه ایندپندنت، پمپئو در جریان حضور در برنامه فاکس و دوستان، به ارزیابی اتهامات علیه رئیس سابق خود پرداخت که ادعاهای متحده‌ان ترامپ را درباره توضیحات مربوط به جعبه‌های حاوی اسناد محرمانه در عمارت رئیس‌جمهوری سابق «مارا لا گو» رد می‌کند. این توضیح توسط وفاداران به ترامپ مانند سناتور ایمی لی وانس، ارائه شده است که در توییتی نوشت: «مخاطم یک رئیس‌جمهور به خاطر اسناد دولت خودش، یک موضوع سیاسی است که به یک موضوع حقوقی تبدیل می‌شود.»



پمپئو این ایده را رد کرد و گفت: «ترامپ اسناد محرمانه‌ای داشت درحالی که نباید آنها را در اختیار داشته باشد و وقتی فرصت بازگرداندن آنها را نیز در اختیار داشت، انتخاب کرد که این کار را انجام ندهد.» وزیر خارجه سابق آمریکا همچنین گفت: «این با محافظت از سربازان، ملوانان، هوانوردان و تفنگداران دریایی آمریکا تطابق ندارد. اگر این ادعاها درست باشد، برخی از اینها اسناد بسیار جدی و مهمی بودند.» پیش از پمپئو، نیکو هیلی نماینده آمریکا در سازمان ملل، از «بی‌احتیاطی» ترامپ نسبت به امنیت ملی آمریکا گلایه کرده و گفته بود: «این موضوع، همه مردان و زنان نظامی ما را در معرض خطر قرار می‌دهد.» آنا هاجنسون، فرماندار سابق آرکانزاس و کریس کریستی، فرماندار سابق نیوجرسی از دیگر نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ هستند که علیه ترامپ موضع گیری کرده‌اند. با این روند و با جدی تر شدن اتهامات ترامپ، مخالفت‌ها و انتقادات از دونالد ترامپ بیشتر از قبل خواهد شد. شاید این اتهام، پایانی برای جریان ترامپیسیم در آمریکا باشد.

دونالد و مخالفانش

اگر شخصیتی همچون مایک پمپئو قصد داشته باشد در رقابت‌های درون حزبی برای انتخابات سال آینده شرکت کند، این حضور زیر سایه یک نامزد دیگر امکان پذیر نیست. او چه بخواهد و چه نخواهد، تصدی وزارت امور خارجه را مدیون دونالد ترامپ است. برپایه نظرسنجی‌ها، ترامپ محبوب‌ترین چهره در بین جمهوری خواهان است اما مشکل آنجاست که اتهاماتی متوجه ترامپ است که احتمالاً مسیر رسیدنش به کاخ سفید را بسیار سخت و تقریباً ناممکن کرده است. پمپئو که احتمالاً به چنین جمع بندی‌ای رسیده است، دورنمایی برای خود جهت شرکت در انتخابات درون حزبی دیده و به رئیس پیشین خود به چشم یک رقیب قابل عبور نگاه می‌کند. او البته در این مسیر تنها نیست و از میان دولتمردان و نزدیکان ترامپ به غیر از افرادی که توسط او اخراج شده‌اند مانند جان بولتون که مدتی مشاور امنیت ملی بود، کسانی که خواهان حضور انتخاباتی هستند از دسانتیس و پنس گرفته تا پمپئو و هیلی زبان به انتقاد از ترامپ گشوده‌اند.

حامیان

حامیان سیاسی ترامپ مانند پمپئو و دسانتیس که پیش از دوره ترامپ سابقه نمایندگی در مجلس نمایندگان را داشته‌اند، در طرفداری از ترامپ با افراد رده پایین سیاسی یا شیفتگان وی تفاوت دارند. آنها هرچه در دوران همراهی خود با ترامپ از وی طرفداری کرده

باشند، این طرفداری به سیاق بسیاری از سیاستمداران یک تاکتیک برای بهره‌برداری بیشتر از منافع بوده است، درحالی که دیگر همراهان ترامپ می‌توانستند به دلیل کیش شخصیت او یا ایدئولوژی افراطی محافظه کاران شان قلیا به او علاقه داشته باشند. به همین دلیل است که دسانتیس و پمپئو علیه ترامپ موضع گیری داشته‌اند. تردیدهای پمپئو نیز به آینده سیاسی ترامپ باز می‌گشت. پمپئو همچنانکه خود را برای انتخابات درون حزبی آماده می‌ساخت نگاهش به رئیس‌جمهور سابق آمریکا بود تا اگر وی گام به درون رقابت‌ها نهد، از رقابت‌ها کنتر کند زیرا او قادر به هماوردی با ترامپ نیست. با این حال وزیر خارجه سابق ترامپ وقتی او را به عنوان نخستین رئیس‌جمهور درحال محاکمه آمریکا دید، متوجه شد کارش در فضای سیاسی آمریکا حداقل برای رسیدن به ریاست‌جمهوری با احتمال بالایی تمام است.

تداوم حیات سیاسی

تداوم حیات سیاسی نخست‌وزیران در آمریکا و انگلیس در دهه‌های اخیر بی‌سابقه بوده است. استیون گروور کیلوند اولین و آخرین رئیس‌جمهور آمریکا است که دو دوره غیرمتوالی به کاخ سفید راه یافته است. او در نخستین دوره طی سال‌های ۱۸۸۵ تا ۱۸۸۹ رئیس‌جمهور آمریکا بود و سپس طی سال‌های ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۷ مجدداً به این مقام رسید. با وجود این که تقریباً فرد دیگری در آمریکا پس از دوره‌اش در پی بازگشت نبوده، ترامپ در بیش از صد سال گذشته در آمریکا یک پدیده به حساب می‌آید.

این پدیده در انگلیس نیز با شخصیتی به‌زعم برخی نمونه انگلیسی ترامپ به حساب جریان دارد. بوریس جانسون که طی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ نخست‌وزیر انگلیس بود، اخیراً با استعفا از نمایندگی پارلمان تلاش دارد با ایجاد یک شورش درون حزبی، ریشی سوناک، رهبر حزب محافظه کار و نخست‌وزیر فعلی کشورش را ساقط کرده و جای وی بنشیند. آخرین فردی که دوباره به نخست‌وزیری انگلیس رسید وینستون چرچیل بود. او برای نخستین بار طی سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ و برای دومین بار طی سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ ریاست‌دولت را برعهده داشت. تلاش برای چنگ زدن مداوم به قدرت باعث شده دموکراسی در انگلیس و آمریکا، دو برادر آنگلو سوسنی با خطر ظهور اقتدارگرایانی که علاقه‌مند به کیش شخصیت و حتی مادام‌العمر شدن حضورشان در قدرت هستند، مواجه شود. در این میان ترامپ وضعیت وخیم‌تری را رقم زده است. او از مادام‌العمر شدن ریاست‌جمهوری در چین تمجید کرده و آن را عامل موفقیت این کشور دانسته، تلاش داشته ارتش را

برای مقابله با معترضان در خیابان‌های چندین ایالت آمریکا مستقر سازد و همچنین با ادعای تقلب در جریان انتخابات ۲۰۲۰ طرفدارانش را در ۶ ژانویه تحریک کرده تا در حین تایید پیروزی جو بایدن به ساختمان کنگره حمله کنند.

افراطی‌های ترامپیسیم

افراطی‌های ترامپیسیم که با جلب نظر اجتماع بروز سیاسی پیدا کردند، با کوچک شدن قاعده و کاهش ظرفیت اجتماعی از توده‌به‌توده تغییر وضعیت یافته و با بسته شدن مسیر بروز سیاسی، رادیکال‌تر می‌شوند. اگر آنها به سمت رادیکالیسم پیش بروند، قاعده اجتماعی کوچک‌شده خودشان را هم با تئوری‌های توطئه رادیکال‌تر می‌کنند و به دلیل غیرمنطقی شدن و توسل به تئوری‌های غیر علمی، منجر به باز تولید روشی مشابه در دیگر جریان‌ها می‌شوند. براساس نظرسنجی ماه آوریل گذشته دانشگاه شیکاگو که گاردین آن را منتشر کرده است، بیش از ۱۲ میلیون بزرگسال آمریکایی (۴،۴ درصد از جمعیت بزرگسال آمریکا) هنوز معتقدند اعمال خشونت برای بازگرداندن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا به کاخ سفید قابل توجیه است. براساس این نظرسنجی اگرچه تعداد بزرگسالان حامی حمله طرفداران ترامپ به کنگره در ژانویه ۲۰۲۱ کاهش یافته، اما داده‌های نظرسنجی اخیر سطوح هشدار دهنده و خطرناکی از حمایت از خشونت سیاسی و تئوری‌های توطئه در سراسر ایالات متحده نشان می‌دهد.

حضور ترامپ به‌عنوان فردی بدون سابقه اجرایی

حضور ترامپ به‌عنوان فردی بدون سابقه اجرایی (آمریکا) هنوز معتقدند اعمال خشونت برای بازگرداندن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا به کاخ سفید قابل توجیه است. براساس این نظرسنجی اگرچه تعداد بزرگسالان حامی حمله طرفداران ترامپ به کنگره در ژانویه ۲۰۲۱ کاهش یافته، اما داده‌های نظرسنجی اخیر سطوح هشدار دهنده و خطرناکی از حمایت از خشونت سیاسی و تئوری‌های توطئه در سراسر ایالات متحده نشان می‌دهد. برخلاف دیگر روسای جمهور که دیدگاه‌هایشان مخالفت‌هایی در داخل داشت، در برابر جریان «ترامپیسیم» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، جریان «ترامپ‌هراسی» ایجاد شده است که این به معنای لزوم مرزگذاری دیگران با وی برای روبه‌رو نشدن با تبعات ترامپ‌هراسی موجود در جامعه است. هر فردی که در دایره جریان فعلاً کوچک و پرسروصدا «ترامپیسیم» باشد مواهب اندک سیاسی و حضور در جمع می‌لتهب راتجره می‌کند؛ ضمن آنکه وی باید تحت سایه قدرتمند ترامپ فعالیت کند. اما افراد در جریان ترامپ‌هراسی آزادی عمل داشته، در فضای نخبگانی عمل کرده و به آرای بالاتری نیز دسترسی خواهند داشت.

ملاحظات پیرامون آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و طالبان

میراحمد رضا مشرف

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

سرانجام پس از سپری شدن چند هفته طوفانی و پرتنش در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت امارت اسلامی طالبان، به نظر می‌رسد که آرامش و ثبات نسبی سیاسی و امنیتی میان دو طرف برقرار شده است. بر همین اساس در قضیه حقایق ایران از هیرمند، در روزهای گذشته جلسه‌ای از سوی کابینه امارت اسلامی طالبان با سرپرستی مولوی عبدالکبیر، رئیس‌الوزاری جدید طالبان برگزار شد که ظاهراً در طی آن بر حفظ روابط حسنه با جمهوری اسلامی و حل معضل حقایق ایران از طریق استناد به توافق ۱۳۵۱ رودخانه‌های افغانستان است. در مورد تنش‌های مرزی اخیر هم با رایزنی‌های مقامات سیاسی و امنیتی عالی‌رتبه دو طرف آرامش نسبی در مرزها برقرار شده و اماکن و گذرگاه‌های تجاری همچون بازارچه میلک (پل ایریشم) بازگشایی شده است.

با این حال و به‌رغم این آرامش نسبی موقت نباید فراموش کرد که بنیان و بستر این منازعات همچنان پابرجا باقی مانده و در انتظار یافتن راه‌حل‌های بلندمدت و نهایی به سر می‌برند. در همین راستا تنش‌های اخیر میان طالبان و جمهوری اسلامی می‌تواند یادآوری‌کننده چند نکته مهم در زمینه مسائل اخیر و رویکرد کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان و طالبان باشد؛

۱) موضوع حقیقه هیرمند و قرارداد ۱۳۵۱ میان تهران و کابل، در طی چند دهه اخیر همواره یکی از کانون‌های مناقشه میان ایران و افغانستان بوده است. در این بین شاید نکته مهم و قابل‌تأمل این باشد که معضل «حقیقه ایران» ارتباطی با نوعیت دولت‌ها و حاکمیت‌ها در افغانستان نداشته است؛ بدین معنا که همه دولت‌های مستقر در کابل، از دولت‌های نظام جمهوری گرفته تا طالبان، با این معضل مواجه بوده و از برداشتن گامی در جهت حل آن طفره رفته یا ناتوان بوده‌اند. این عدم تمایل یا ناتوانی دولتمردان کابل هم از آنجا سرمنشأ می‌گیرد که با توجه به عدم درک مسائل حقوقی رودخانه‌های فرامرزی از سوی عامه مردم از یک سو و تبلیغات گسترده انجام گرفته روی این مساله در داخل افغانستان از سوی دیگر، این موضوع به مساله ملی و حیثیتی در بین دولتمردان و سیاستمداران افغانستان تبدیل شده و یک خط قرمز فرضی در این زمینه شکل گرفته است. بنابراین اگر جمهوری اسلامی صرفاً با این رویکرد از حاکمیت طالبان یا هر گروه دیگری در داخل افغانستان حمایت کند که آنها نسبت به حل و فصل کامل مسائل حقایق ایران از هیرمند چراغ سبز نشان خواهند داد، در واقع به نوعی همان اشتباه تاکتیکی پاکستانی‌ها در حمایت از طالبان، به‌منظور حل مناقشه خط دیورند را تکرار خواهد کرد.

۲) مسائل پیش‌آمده بر سر حقایق ایران و به‌ویژه تنش‌های مرزی اخیر

با افغانستان نشان داد که در میان سطوح میانی و بالای سیاسی و نظامی امارت اسلامی طالبان، چه ذهنیت‌های متفاوت و بعضاً متعارضی نسبت به جمهوری اسلامی ایران و چگونگی ارتباط با آن وجود دارد. این موضوع اهمیت دو تکتک را بیش از پیش روشن می‌کند؛ اول اینکه امارت اسلامی طالبان مجموعه‌ای یکدست نبوده و طیفی از آنها که به لحاظ کمی و کیفی قابل‌ملاحظه نیز هستند، رویکردهایی کاملاً افراط‌گرایانه و در تقابل با جمهوری اسلامی ایران را دنبال می‌کنند. بنابراین سیاست خارجی جمهوری ایران باید نه بر مبنای یکدست دیدن مجموعه امارت اسلامی طالبان، بلکه براساس تضعیف موقعیت جناح‌های افراط‌گرا و تقویت جایگاه جناح‌های میانه‌رو آنها متمرکز شود. اما نکته دوم که به‌نوعی مکمل گزینه اول نیست این است که با توجه به وقایع اخیر پیش آمده، جمهوری اسلامی باید نسبت به رویکرد خود مبنی بر حمایت از تشکیل دولت فراگیر در افغانستان پافشاری بیشتری نشان داده و ناراضی‌های خود را نسبت به حاکمیت انحصارگرایانه از سوی امارت اسلامی طالبان، بیش از پیش در معرض نمایش بگذارد.

۳) در نهایت باید گفت که به اذعان بسیاری از کارشناسان سیاسی

و امنیتی ناآگاهی، عدم هماهنگی و فقدان ساختار منسجم و مبتنی بر ضوابط و چهارچوب‌های قانونی در امارت اسلامی طالبان نقش مهمی را در شکل‌گیری منازعات سیاسی و تنش‌های اخیر مرزی آنها با جمهوری اسلامی و حتی کشورهای دیگری چون پاکستان ایفا کرده است. بنابراین اعمال فشار بر طالبان برای تسریع در ایجاد ساختارهای قانونی و روشن در داخل افغانستان (مانند شکل دادن یک نظام مبتنی بر قانون اساسی) می‌تواند یکی از راهکارهای دیگر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان تلقی شود؛ مساله‌ای که با دیگر درخواست‌های ایران درمورد مشخص شدن وضعیت حقوق اقلیت‌ها و به‌ویژه شیعیان نیز هماهنگی دارد.

هیات رسانه‌ای ایران با سیدعمار حکیم، رهبر جریان حکمت ملی عراق دیدار کرد

حکیم: ائتلافی از قدرت‌های بزرگ منطقه تشکیل شود

حکیم بار دیگر خواستار ایجاد ائتلافی متشکل از قدرت‌های بزرگ منطقه شامل عراق و ایران و عربستان و مصر و ترکیه شد و گفت چنین ائتلافی توانایی حل مشکلات منطقه و ایمن‌سازی آن در برابر چالش‌های امنیتی و سیاسی را دارد.

در این دیدار محمدامین حسین میرزایی مدیرعامل خبرگزاری برنا، محمدامین ایمانجانی مدیرمسئول روزنامه «فرهنگستان»، رضا خوش‌لهجه مدیرکل اخبار خارجی ایرنا، جعفر بلوری عضو شورای سردبیری و دبیر بخش بین‌الملل روزنامه کیهان، حسین طاهری معاون خبر خبرگزاری مهر، عظیم امیددی دبیر بخش بین‌الملل خبرگزاری تسنیم و

ائتلاف «اداره‌الدوله» در مقام ائتلاف حاکمی عمل می‌کند که وجهه ملی دارد. ضمن اینکه کشور شاهد بازگشت آرامش و همبستگی ملی و اجتماعی و پایان تهدید تروریستی به عنوان یک تهدید نظامی وجودی است.

رهبر جریان حکمت ملی عراق همچنین تغییرات پیش‌آمده در روابط منطقه‌ای و فرماندهی‌ای با عراق و رویکرد مثبت به اوضاع عراق و تلاش کشورهای دوست برای برقراری روابط استوار با عراق و نقش این کشور در وساطت میان نیروهای منطقه‌ای را تبیین و تأکید کرد عراق امروز به نقطه تلاقی و نه میدان نزاع تبدیل شده است.

سیدعمار حکیم، رهبر جریان حکمت ملی عراق، در دیدار شماری از مدیران و فعالان رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر اهمیت روابط عراق و ایران و راه‌های گسترش آن در همه عرصه‌ها تأکید کرد.

در این دیدار که در دفتر رهبر جریان حکمت ملی عراق در بغداد انجام شد، حکیم بر تأثیر مهم فتوای جهاد دفاعی صادرشده از جانب مرجعیت عالی شیعه در شکست دادن تروریسم و نیز نقش جمهوری اسلامی ایران در حمایت از عراق در همه مراحل تأکید کرد.

وی افزود عراق مراحل و چالش‌های دشواری را در عرصه سیاسی و امنیتی و اجتماعی و اقتصادی پشت سر گذاشته



این هیات به دعوت جریان حکمت ملی عراق و به منظور تقویت روابط میان دو کشور به بغداد سفر کرده است.

سیدمحمدصادق لوانسانی مدیرکل فرهنگ و هنر خبرگزاری ایسنا حضور داشتند.